

دام‌گستری در کشف جرم^۱

مهدی مقیمی^۲

چکیده

کشف جرم از وظایف عمده و اصلی پلیس است. یکی از روش‌های متداول کشف جرم، صحنه سازی است. در این نوشتار، انجام عملیات دام‌گستری توسط پلیس، در سه بخش (پلیس، متهم و ارزش اثباتی ادله) مورد بررسی قرار گرفته است. در مواردی که جرم با روش دام‌گستری کشف می‌شود، جرم مورد نظر مأموران پلیس به وقوع پیوسته و مرتکب (مخاطب پلیس) دارای مسئولیت کیفری است. همچنین مأموران پلیسی که با تحریک و ترغیب خود باعث وقوع جرم مورد نظر شده‌اند، در مظان اتهام معاونت در جرم ارتكابی توسط مرتکب قرار می‌گیرند. بنابه دلایلی که شرح آن خواهد رفت، کشف جرم به روش دام‌گستری، علاوه بر مغایرت با نظم عمومی، مخالف موازین اخلاقی بوده و دلایل تحصیل شده به این روش، فاقد اعتبار و صحت لازم برای اثبات بسیاری از جرایم است. از سویی به دلیل اهمیت فراوان حفظ امنیت کشور، ماهیت خاص برخی از جرایم نوین (سازمان یافتگی و فراملی بودن) و در راستای همگامی با رویکرد نوین حقوق کیفری در برخورد با این دست جرایم، کشف این نوع جرایم به روش دام‌گستری با اشکالات کمتری همراه است. در این راستا ضمن بررسی قوانین ایالات متحده آمریکا، فرانسه، انگلیس و ایتالیا، موضع قانون‌گذار ایران نسبت به دام‌گستری و جایگاه آن در فقه جزایی اسلام نیز بیان شده است. در پایان با ذکر چند راهکار سعی شده که مأموران پلیس، حسب مورد به روش‌های دیگری برای کشف جرم سوق داده شوند.

کلید واژه‌ها

دام‌گستری (Entrapment) / پلیس (Police) / کشف جرم (Crime detection) / اکراه (Duress) / تحریک (inducement) / متهم (Accused).

- ۱- نگارنده بر خود لازم می‌داند که مراتب تقدیر و تشکر خود را از آقایان دکتر حسین آقایی نیا، دکتر سید محمد حسینی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، دکتر حسین ایارگر، دکتر غلام رضا محمد نسل، دکتر اکبر وروایی، عابدین صفری کاکرودی (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی) که در نگارش این مقاله از راهنمایی‌های ارزنده ایشان بهره گرفته، اعلام دارد.
- ۲- کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

مقدمه

حفظ امنیت و برقراری آسایش و نظم عمومی در هر جامعه‌ای از عمده وظایف دولت و حکومت است. این امر عموماً توسط پلیس انجام می‌شود. یکی از مسائلی که با حفظ امنیت و آرامش عمومی ارتباط مستقیم دارد، موضوع «کشف جرم» است. امروزه علم و فناوری نسبت به ادوار گذشته، پیشرفت بسیار زیادی کرده است. ورود علوم جدیدی مانند علوم رایانه‌ای و فناوری‌های پیچیده الکترونیکی و ماهواره‌ای به عرصه زندگی، موجب پیدایش جرایم جدید و متفاوتی نسبت به گذشته شده است. از این رو زمینه ارتکاب جرایم، حسب مورد رو به فزونی گذارده و کشف جرم نیز دشوارتر از گذشته شده است. هم‌اکنون برخی از بزهکاران که ساترلند^۱ آن‌ها را بزهکاران یقه سفید^۲ نامید، با توسل به موقعیت‌ها و مناصب خطیر اجتماعی و با استفاده از هوش و درایت خود مرتکب جرم می‌شوند. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۵: ۵ و ۶). در برخی مواقع بزهکاران، جرم را نه در مرزهای داخلی یک کشور بلکه در سطح بین‌المللی مرتکب می‌شوند؛ بنابراین برخی از جرایم، حد و مرز یک کشور را درنور دیده و برای جامعه بشری خطر آفرین هستند. از این رو می‌توان از تخصصی و حرفه‌ای شدن فعالیت‌های مجرمانه صحبت به میان آورد. با این وصف، کشف موفق جرایم امروزی مستلزم درایت بیشتر پلیس نسبت به گذشته و استفاده از شیوه‌های نوین کشف جرم و بهره‌گیری از دانش و فناوری‌های جدید است. با سیری در تاریخ کهن فعالیت‌های پلیسی، مشاهده می‌شود که کشف جرم به روش دام گستری^۳ از دیر باز رایج بوده است. برخی از حقوقدانان اروپایی مصادیقی مبنی بر استفاده از این روش را در زمان شوالیه‌ها بیان کرده‌اند (لارگیه، ۱۹۹۶: ۷۹). در ایران نیز، کشف جرم توسط پلیس به روش دام گستری که موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد، از شیوه‌های مرسوم و متداول مبارزه با بزهکاری است (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۲۸۶).

در این بخش خاطر نشان می‌شود که هدف اصلی این مقاله بیان موارد و مصادیق تعارض عملیات دام گستری با برخی مبانی حقوقی است و در کنار آن، بیان مسئولیت‌هایی که ممکن است در شرایطی متوجه مأمور پلیس شود. ارزش اثباتی دلایل تحصیل شده به روش دام گستری و مسئولیت متهم، از اهداف فرعی این نوشتار محسوب می‌شوند.

مبانی نظری و مفهوم دام گستری

ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸، ضمن ارائه تعریفی از ضابطان دادگستری، نیروهای انتظامی را در راس

1- Sutherland
3- Entrapment

2- White collar offenders

ضابطان احصاء کرده است. از طرفی مسئله کشف جرم در صدر ماده فوق الذکر و اصل ۱۵۶ قانون اساسی مطرح و مطابق بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، جزء وظایف پلیس شمرده شده است. در ایران بنابر ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸، «کشف جرم» جزء مرحله «تحقیقات مقدماتی» است. صرف نظر از جرایم غیرمشهود، با توجه به ماده ۱۸ این قانون، در آن قسمت که مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری ... در خصوص جرایم مشهود تمامی اقدامات لازم ... و تحقیقات مقدماتی را انجام ...» و همچنین عبارت «ضابطان دادگستری نتیجه اقدامات خود را ...» مذکور در ماده ۲۴ قانون موصوف می‌توان نتیجه گرفت که پلیس با توجه به حدود اختیارات خود و رعایت موازین قانونی (بنابر ماده ۱۵ قانون اخیرالذکر)، مجاز به استفاده از شگردها و شیوه‌های متنوع برای کشف جرم است.

یکی از شیوه‌های مرسوم کشف جرم توسط پلیس، دام گستری است. کشف جرم به شیوه دام گستری از جمله شگردهایی است که زیر عنوان عملیات‌های پلیس مخفی^۱ بررسی می‌شود. انجام عملیات مخفی توسط پلیس با هدف کشف جرم، دارای مصادیق متعددی است که از جمله می‌توان به عملیات زیر اشاره کرد: تشویق و تحریک^۲ فرد موردنظر به انجام معامله صوری^۳ با پلیس، شنود مخفیانه تلفن، معرفی خود (پلیس) به جای فردی دیگر از طریق مکالمه تلفنی و فریب دادن فرد موردنظر از این طریق، تشویق فرد مورد نظر به معرفی خود نزد یک مددکار یا روان پزشک یا کارشناس یا پزشک و... و سپس اخذ اطلاعات خصوصی او از اشخاص مزبور، نصب مخفیانه دوربین یا میکروفن در محلی که مربوط به فرد مورد نظر است و استفاده از عکس‌های گرفته شده یا صدای ضبط شده بر علیه او، استفاده از مخبر جهت کسب اخبار، نظارت مخفیانه بر نحوه استفاده از اطلاعات خصوصی رایانه‌ای فرد مورد نظر، تهدید مخفیانه خانواده و آشنایان فرد موردنظر برای اخذ اطلاعات و... با توجه به این که واژه دام گستری در مورد طیف وسیعی از شگردهای مخفیانه پلیس به منظور کشف جرم به کار برده شده است، لازم است که با تفصیل برخی از آنها، علاوه بر تبیینی واضح، مصادیق آن را به طور دقیق تر مورد بررسی قرار دهیم.

همان طور که از مصادیق عملیات مخفی پلیس مشخص است، این نوع عملیات از نظر نحوه عملکرد پلیس و نقش او در انجام عملیات، به دو صورت قابل انجام است: صورت اول مانند شنود مخفیانه مکالمات تلفنی فرد موردنظر، با مداخله منفعلانه پلیس انجام می‌شود. اما صورت دوم مانند ترغیب و تحریک فرد موردنظر به انجام معامله صوری با پلیس، با مداخله فاعلی او صورت می‌گیرد. بنابراین در حالت اول، مأموران

1- Undercover police

2- Inducement

3- Buy-busts

پلیس صرفاً با توسل به روش‌های مخفیانه‌ای مانند عدم حضور در صحنه یا مخفی کردن هویت واقعی^۱ خود، مبادرت به انجام امور پلیسی^۲ می‌کنند. اما در حالت دوم، پلیس علاوه بر پنهان کردن هویت حقیقی خویش، از طرقی مانند تحریک، تشویق و یا تطمیع فرد موردنظر به انجام معامله یا ...، او را به ارتکاب جرم ترغیب می‌کند. با عنایت به نوع مداخله پلیس (فاعلی و منفعل) از جمله تعاریف دقیق، دام گستری عبارت است از: تحریک از طریق اغفال یا ترغیب بیش از حد شخصی به ارتکاب جرم از سوی مأمور اجرای قانون یا مأموری دولتی^۳، در اقدام برای تعقیب کیفری همان شخص (گارنر^۴، ۲۰۰۵: ۵۷۳). بنابراین دام گستری زمانی واقع می‌شود که مأموران، فردی را که به هیچ طریقی تمایل به ارتکاب جرم مورد نظر نداشته است، به گونه‌ای تحریک کنند که او قانون را نقض کند (پرکینز^۵، ۱۹۸۲: ۱۱۶۱). از این رو، اگر رفتار پلیس صرفاً از حقیقتی عینی (برای مثال، ارتکاب همیشگی جرم از سوی بزهدار و در هر شرایط، مانند تکرارکنندگان جرم) پرده برداشته باشد، اطلاق عنوان دام گستری بر رفتار پلیس، صحیح به نظر نمی‌رسد. بر همین مبنا، اصولاً دام گستری را باید با تکیه بر رفتار فاحش (چشمگیر) مأمور اجرای قانون^۶، یعنی حالت فاعلی و تحریک فرد به ارتکاب جرم، و نه بر اساس تمایل^۷ فرد موردنظر مورد بررسی قرار داد (گارنر، ۲۰۰۵: ۱۱۰۳). بنابراین باید میان اقدامات مخفیانه صورت گرفته از سوی پلیس در مواقعی که جرمی در شرف وقوع است و موارد عادی و بدون وجود مظنون به ارتکاب جرم، قایل به تفکیک شد. معمولاً در عملیات مخفی پلیس، دام‌ها^۸ به گونه‌ای به کار گرفته می‌شوند که اشخاص مستعد به ارتکاب جرم در آن گرفتار می‌شوند. اما گاهی نقش فاعلی مأموران پلیس به گونه‌ای است که سبب وقوع جرم از سوی اشخاص عادی (غیر مستعد) نیز می‌شود. در این حالت، رفتار پلیس از فلسفه و هدف اصلی دور شده است.

هدف این تحقیق نیز بررسی رفتار توأم با تحریک از سوی پلیس است و بر همین مبنا، دام گستری با وجود شرایط زیر محقق می‌شود: شرط اساسی در تصور دام‌گستری، صورت گرفتن عملیات از سوی مأمور دولتی است. محور اصلی این نوشتار نیز بررسی دام گستری با تکیه بر نحوه عملکرد مأموران پلیس است. مأمور مذکور باید ضمن مخفی کردن هویت حقیقی خود (مانند استفاده از لباس مبدل)، در جرم ارتكابی توسط مرتکب، از طرقی مانند تحریک یا تشویق یا تطمیع وی به ارتکاب جرم، نقش داشته باشد. ترغیب به رفتار یا عملی اطلاق می‌شود که به واسطه بحثی

1- Undercover agent

2- Policing

۳- Agent provocateur واژه‌ای فرانسوی که با همین ترکیب در زبان انگلیسی نیز به کار می‌رود. این واژه به فردی اشاره دارد که با تحریک و ترغیب خود، فرد مخاطب را به ارتکاب جرم دعوت می‌کند. از جمله اهداف این دعوت می‌تواند کشف جرم و تعقیب مرتکب باشد (ومیر، ۲۰۰۵: ۲۴).

4-Garner

5- Perkins

6- Egregious Law Enforcement Conduct

7- Predisposition

8- Traps

منطقی بر دیگری تأثیر بگذارد. مصادیق ترغیب عبارت‌اند از: بحث^۱ یا پنددهی^۲ و شامل تهدید^۳، به ستوه آوردن^۴ و واگرد غلط^۵ نمی‌شود. تحریک عمدتاً بر دو موضوع تعلق می‌گیرد: اول اینکه پلیس با آگاهی از جرم بودن رفتاری خاص، فرد موردنظر را این گونه متقاعد کند که مرتکب رفتاری می‌شود که از نظر قانون به هیچ وجه، جرم تلقی نمی‌شود (گارنر، ۲۰۰۵: ۷۶۰، ۱۱۸۱). در حالی دیگر، تحریک یا ترغیب پلیس باعث ایجاد انگیزه برای انجام رفتاری توسط فرد موردنظر می‌شود که آن رفتار مطابق قانون جرم تلقی می‌شود.

به نظر برخی از نگارندگان، دام گستری، در کشف برخی از جرایم از قبیل آدم ربایی^۶، ایراد صدمه جسمانی یا تهدید به آن، موضوعیت ندارد (یزدیان جعفری، ۱۳۸۴: ۱۱۸). همان طور که خواهیم دید، مصادیقی از جرایم علیه اموال جرایم به ویژه جرم کلاهبرداری به روش دام گستری کشف شده است. اما بیشترین کاربرد دام گستری در کشف جرایم علیه امنیت از جمله شبکه‌های قاچاق و بسیاری از جرایم مرتبط با مواد مخدر است. شاید علت این امر، درایت بالای مرتکبان این قبیل جرایم و دشوار بودن کشف آن‌ها باشد. از این رو با عنایت به استفاده فراوان از این روش برای کشف جرم و اینکه ممکن است برخی از عملکردهای پلیس تهدیدی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان محسوب شود، شناخت ماهیت و مبانی حقوقی دام گستری و آگاهی از مزایا و برخی جنبه‌های مضر آن، امری ضروری به نظر می‌رسد. بر همین مبنا در ادامه به تبیین و توضیح مفاهیم نظم عمومی و اخلاق می‌پردازیم و در بخش بعدی، علل تعارض دام گستری با مفاهیم مذکور توضیح داده خواهد شد.

نظم عمومی

ارائه تعریف کاملی از نظم عمومی بسیار دشوار است. اما به طور کلی نظم عمومی عبارت است از مجموعه تأسیسات حقوقی و قوانین وابسته به حسن جریان لازم امور مربوط به اداره کشور و یا راجع به صیانت امنیت و اخلاق در روابط مردم که اراده افراد جامعه در خلاف جهت آن‌ها بلا اثر باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۶۵۳). بنابراین «نظم عمومی به طور آشکار با منافع و مصالح جامعه مرتبط بوده و طبیعت آن به گونه‌ای است که همه افراد باید آن را محترم شمرده و تجاوز به آن غیرممکن باشد.» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳-۲۵۲)

1- Argument

2- Exhortation

3- Threat

4- Harassment

5- Misrepresentation

۶- اگر پلیس با دام گستری، یکی از مأموران خود را طعمه آدم ربایی قرار دهد، نمی‌توان مرتکبان را به آدم ربایی پلیس مذکور محکوم کرد؛ زیرا رضایت وی موجب زوال وصف مجرمانه است (آقایی نیا، ۱۳۸۵: ۱۶۶).

منابع مهم نظم عمومی عبارت‌اند از: اخلاق حسنه، رویه قضایی، عرف و عادت، احساسات عمومی و اراده حاکمیت (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۶۳). اراده حکومت عموماً از طریق وضع مقررات مدون، برای تابعان آن الزاماتی را پیش‌بینی می‌کند. اخلاق حسنه، مجموعه قواعد اخلاقی را در برمی‌گیرد که تنها ضمانت اجرای آن وجدان است، این قواعد عموماً ریشه در مذهب دارند. عرف نیز مجموعه قواعدی را در برمی‌گیرد که از وجدان عمومی ناشی شده و بدون دخالت قانون‌گذار در جامعه مرسوم است. عرف پایه اصلی اخلاق حسنه و احساسات مردم بوده، بنابراین ریشه در مذهب دارد.

اخلاق حرفه‌ای

اخلاق (جمع خلق) مجموع طبایع و کردهای ظاهری رفتار فرد است که به صورت دائم و پایدار در او وجود داشته باشد. امروزه بخش قابل توجهی از قوانین کیفری کشورها متوجه حقوق متهم است. اکثر حقوق متهم در مراحل کشف و تعقیب جرم مبتنی بر موازین اخلاقی و انصاف بوده و سعی در نکوداشت حیثیت انسانی وی دارند. در کنار این نوع اخلاق، که به اخلاق فردی معروف است، می‌توان در هر صنف یا گروه خاص، شاهد نوع دیگری از اخلاق بود که مربوط به همان صنف یا گروه است. این نوع اخلاق مبتنی بر موقعیت اجتماعی صنف مربوطه بوده و پدید آورنده منش و فرهنگ سازمانی برای آن صنف است. در اصطلاح به این نوع اخلاق، اخلاق حرفه‌ای^۱ گفته می‌شود.

در این نوشتار، منظور از اخلاق، اخلاق حرفه‌ای پلیس است.^۲ اخلاق حرفه‌ای پلیس را می‌توان در آنچه که امروزه به نظام‌نامه (منشور) اخلاقی^۳ پلیس معروف است مشاهده کرد. این نظام‌نامه‌ها دربردارنده طیفی از قواعد ارشادی فاقد ضمانت اجرایی هستند. هدف اصلی نظام‌نامه‌های اخلاقی پلیس، ایجاد خط مشی کلی برای مأموران و سازمان‌های پلیسی، کمک به پلیس در راستای ارائه خدمات بهتر و مؤثرتر، انجام وظیفه بدون در نظر گرفتن نفع شخصی، تعامل با مردم بدون توجه به رنگ، نژاد، جنس، موقعیت سیاسی، اجتماعی و ... است. از جمله نظام‌نامه‌های اخلاقی پلیس که نه در سطح ملی و منطقه‌ای، بلکه در سطح بین‌المللی مطرح شده است، نظام‌نامه اخلاقی ضابطان دادگستری، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه ۳۴/۱۶۹ مورخه ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ است.^۴

۱- در قوانین مدون فعلی ایران، موارد متعددی وجود داشته که حاکی از توجه ویژه قانون‌گذار به اخلاق حسنه است. از جمله می‌توان به قوانین زیر اشاره کرد: اصول ۲۵، ۲۸، ۳۹ از قانون اساسی، مواد ۲۴، ۴۳، ۱۰۳ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ و ...

2- Ethics

۳- گر چه در بخش نظم عمومی، در حد لزوم، اخلاق حسنه (که ریشه در مذهب دارد) را نیز بررسی کردیم.

4- Code of Conduct

5- Code of Conduct for Law Enforcement Officials (General Assembly Resolution 34/169 of 17 December 1979).

هم اکنون در بسیاری از کشورها، پلیس علاوه بر توجه به موازین و مقررات قانونی، با تکیه بر نظام‌نامه‌های اخلاقی به انجام وظیفه می‌پردازد. در کشور ما، تا کنون نظام‌نامه اخلاقی برای ضابطان دادگستری و به ویژه پلیس، تدوین نشده است. اگر چه برخی از اصول مقرر در بسیاری از بخشنامه‌ها و یا دستورالعمل‌های قوه قضائیه به این قبیل موازین اخلاقی اشاره دارند^۱.

بررسی موضوع با نگرشی بر حدود اختیارات پلیس:

بنابر بند «د» از شق ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، یکی از وظایف پلیس، «پیشگیری از وقوع جرم» است. بخش مهم تدابیر و مأموریت‌هایی که توسط پلیس اجرا می‌شوند نیز به منظور پیشگیری از وقوع جرم است. بدیهی است که پیشگیری از جرم به مراتب با اهمیت تر و مهم تر از کشف جرم است. نتیجه طبیعی عدم موفقیت در پیشگیری از جرم، ازدیاد نرخ وقوع جرم و سنگین تر شدن بار مسئولیت مأموران کشف و تعقیب جرم و در مجموع، آسیب بیشتر به جامعه است. در اجرای طرح‌های دام گستری، در صورتی که فرد موردنظر پلیس، صرفاً به واسطه تحریک مأمور، مبادرت به ارتکاب جرم کند پلیس نه تنها از اهداف پیشگیری دور می‌شود، بلکه با زمینه چینی وقوع جرم را تسهیل می‌کند. اما در فرضی که پلیس با اشخاصی از جمله تکرارکنندگان جرم مواجه است، تعارضی میان کشف جرم به روش دام گستری و اهداف مورد نظر در پیشگیری از جرم به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در این حالت، رفتار پلیس چیزی جز شناسایی این نوع بزهکاران و پرده برداشتن از حقیقت موجود نیست.

با در نظر گرفتن مفهوم اراده حاکمیت مذکور در بخش نظم عمومی، مصداق بارز لازم الاجرا برای کارکنان ناجا، دستورالعمل نحوه استفاده از البسه خدمت در ناجا، شماره ۱۳۸۵/۹/۲۸، تاریخ ۱/۰۲/۷۱۵/۱۵/۱۲/۷/۲۱، تاریخ ۱۳۸۵/۹/۲۸ است. بند ۳ فصل سوم این دستورالعمل، زیر عنوان دستورالعمل هماهنگی مقرر می‌دارد: «نحوه استفاده پایوران انتظامی که در اثر نیاز خدمتی می‌بایست در شرایطی از لباس خدمت استفاده ننمایند متعاقباً اعلام خواهد شد.» بنابر مفهوم مخالف مقرر مذکور، پایوران ناجا در حین انجام وظیفه ملزم به استفاده از البسه مصوب هستند، مگر در شرایطی که این دستورالعمل و سایر ابلاغیه‌های بعدی، اجازه عدم استفاده از البسه مصوب را بدهند. از این رو کشف جرم به روش دام گستری (با لباس مبدل) و خارج از شرایط لازم الرعایه در دستورالعمل مذکور، وجهه قانونی نداشته و از این حیث، مغایر با اراده حاکمیت است.

۱- از جمله موارد مذکور می‌توان به «آیین نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اداری و اجرایی» مصوب ۱۳۸۳، و «دستورالعمل سازمان‌دهی بر تردد مراجعان و ارتقای رفتار سازمانی در قوه قضائیه» مصوب ۱۳۸۴ اشاره کرد.

تعارض کشف جرم به روش دام گستری با مذهب و اخلاق حسنه، ضمن بررسی فقه جزایی اسلام مشخص می‌شود. با توجه به این که ماهیت جرایم، متفاوت از یکدیگر است، تبیین این بخش مستلزم بحث درباره جرایم حق الهی و حق الناسی است. از طرف دیگر، برخی از جرایم، خاص جوامع متمدن امروزی است و در گذشته به ویژه در صدر اسلام مصداق نداشته‌اند. از این رو در این قسمت ناگزیریم که تنها، بخشی از جرایم را بررسی کنیم. جرایم حق الهی، جرایمی هستند که حیثیت عمومی و اجتماعی آن غالب است. از ویژگی‌های جرایم حق الناسی این است که قاضی هنگامی مجاز به مداخله است که متضرر از جرم به دستگاه قضایی (حاکم) متوسل شده و طرح دعوا کند. از این رو در جرایم حق الناسی، قلمرو مداخله مستقیم حاکم محدود شده است.

سیاست جنایی اسلام درباره جرایم حق الناسی، ترویج جرایم قابل گذشت، ترجیح خطا پوشی و تشویق مجرمان به ستر گناه و رو آوردن به توبه است. از این رو با توسل به این تدابیر، در پی کاهش تعقیب مجرمان از طریق دستگاه قضا و تأکید بیشتر بر اصلاح خود و جبران خطا است (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۸۶ و ۲۱۱). درباره جرایم حق الهی (که بیشتر حدود، بخش مهم آن را تشکیل می‌دهد) نیز گرایش ملموسی به کیفرزدایی با تشدید شرایط اثبات جرم، حاکمیت قاعده «درء»، ترغیب شهود به ادا نکردن شهادت، پذیرش توبه قبل از اثبات جرم و انکار بعد از اقرار است. این سیاست تا بدان جاست که برخلاف حق الناس، اگر متهم قصد اقرار داشته باشد، مستحب است حاکم او را منصرف کند (میر محمد صادقی، ۱۳۸۲: ۴۷). برای مثال با نگاهی به جرایم جنسی مشمول حد، می‌توان استنباط کرد که شارع مقدس، علاقه‌ای به اثبات این گونه جرایم و مجازات مجرمان آن‌ها نداشته است. از سوی دیگر، با استنباط از برخی روایات، افشاء و اعلان گناه نزد حاکم به منظور تحمل مجازات، مخالفت با سنت است (الحصری، ۱۴۱۳: ۱۷۷). از این رو در این موارد، این حاکم است که نقش مؤثری ایفا می‌کند و می‌تواند از اقامه و تحقق دلایل اثبات جرم جلوگیری کند (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۹۰). لازم به ذکر است که در مورد جرایم تعزیری نیز طبق قاعده «بما یراه الحاکم» حاکم مجاز به تعیین مجازات در انواع مختلف بوده است. اما از جمله این مجازات‌ها، وعظ و پند و نصیحت مجرم است و حاکم می‌تواند به همین میزان مجازات نیز اکتفا کند. بنابراین با در نظر گرفتن ماهیت جرایم و با اوصاف مذکور، کشف جرم به روش دام گستری حداقل در مورد طیف مشخصی از جرایم، با موضع اتخاذی از سوی شارع، تناقض داشته و علاوه بر تعارض با نظم عمومی از نظر حقوق اسلامی نیز پسندیده نیست.

با در نظر گرفتن مفهوم کلی اخلاق حرف‌های و توجه به این که برخی از اصول مقرر در نظام‌نامه‌های اخلاقی با موازین اخلاق فردی همپوشانی دارند، به بحث درباره میزان تطابق عملیات دام گستری با اخلاق حرف‌های پلیس می‌پردازیم. صرف نظر از این که تاکنون در ایران نظام‌نامه اخلاقی منسجمی تصویب نشده است، با توجه به مسایل زیر (که هر یک می‌تواند راهبردی عقلانی و منطقی تلقی شود) و ارائه پاسخی منطقی به آن‌ها،

- می‌توان تا حدودی به مغایرت کشف جرم به این روش با اخلاق حرفه‌ای پلیس پی برد:
- ♦ آیا پلیس در حین انجام وظیفه، مجاز است دروغ بگوید؟ (مأمور اجرای قانون باید مطابق مقررات و موافق روح قانون به انجام وظیفه بپردازد. در فرض معامله صوری پلیس با فرد موردنظر، استفاده از لباس بدلی و تقاضای دروغین انجام معامله، از جمله مصادیق قابل ذکر در این مورد هستند.)
 - ♦ آیا پلیس می‌تواند در راستای اعمال و اجرای قانون، خود اقدام به قانون شکنی کند؟ (برای مثال، در فرضی که پلیس با زمینه سازی قبلی، فرد موردنظر را به پزشک، روان پزشک، کارشناس یا... معرفی می‌کند و سپس اسرار او را از اشخاص مزبور دریافت می‌کند، زمینه چینی او باعث افشاء سرّ از سوی این اشخاص می‌شود.)
 - ♦ آیا هم سطح شدن پلیس با بزهکار، با شرافت حرفه پلیس، همخوانی دارد؟
 - ♦ آیا پلیس می‌تواند در حین اجرای قانون (به ویژه کشف جرم) هویت خود را پنهان کند؟ (امروزه مقامات پلیس تأکید خاصی بر این موضوع دارند که پلیس قبل از هرگونه اقدامی، باید هویت خود را برای مخاطب آشکار کند.)^۱
 - ♦ پلیس، از مظاهر حاکمیت بوده و به نمایندگی از دولت نباید به گونه‌ای رفتار کند که انجام آن را برای دیگران منع می‌کند. (شاید بتوان انجام دام گستری توسط پلیس را، فرار ماهرانه از اجرای قانون دانست.)
 - ♦ آیا استفاده از دام گستری توسط مقامات صلاحیت دار به طور واضح به عموم شهروندان اطلاع رسانی شده است؟ (زیرا هدف اصلی پلیس در وهله اول، پیشگیری از جرم و در مراحل بعدی، کشف و تعقیب جرم است و در این راستا، انجام عملیات روانی از اهمیت فراوانی برخوردار است.)
 - ♦ آیا جرم واقع شده از سوی مرتکب، نتیجه روشی است که پلیس برای کشف جرم به کار برده (سافرشترین، ۱۳۷۸: ۴۲۳) یا خیر؟ (تحریک مؤثر از سوی پلیس سبب ارتکاب جرم می‌شود یا خیر؟)
 - ♦ آیا دام گستری فقط برای کشف جرایم مهم به کار می‌رود، یا پلیس از آن به عنوان وسیله‌ای برای کشف کلیه جرایم استفاده می‌کند؟ آیا تنها راه کشف جرم مورد نظر پلیس، دام گستری است؟
 - ♦ و...
- با این اوصاف در صورتی که پلیس در خارج از شرایط و ضوابط مقرر درباره استفاده از البسه مصوب ناجا، با لباس مبدل و به واسطه تحریک و ترغیب فرد موردنظر، باعث ارتکاب جرم از سوی او شود، رفتار او با اخلاق حرفه‌ای پلیس مطابقت ندارد. این مسئله در شرایطی که عملاً کشف جرم با سایر روش‌ها نیز امکان پذیر بوده و جرم

۱- به بند ۳ از فصل سوم دستورالعمل نحوه استفاده از البسه خدمت در ناجا، شماره ۱۲/۷/۱۲/۷۱۵/۰۲/۰۱، تاریخ ۱۳۸۵/۹/۲۸ نگاه کنید.

مورد نظر از اهمیت چندانی برخوردار نباشد، با وضوحی دوچندان مشهود است.^۱ از لحاظ مسئولیت کیفری، وضعیت مأموران پلیسی که به چنین اقدامی دست زده‌اند به چه نحو است؟ آیا پلیس با انجام معامله صوری (در برخی از دام گستری‌ها)، همانند فرد مورد نظر قصد ارتکاب جرم دارد؟ بدیهی است که مأموران پلیس در انجام این اعمال صوری، قصد ارتکاب جرم را ندارند، لذا جرم مورد نظر از سوی مأموران محقق نخواهد شد. در غیر این صورت پلیس نیز مرتکب همان جرمی شده که بزهار آن را مرتکب شده است و در قوانین کیفری، اشاره‌ای به موجه بودن ارتکاب جرم توسط مأموران پلیس، در مقام کشف جرم نشده است.

از لحاظ نظری، در صورتی که متهم اثبات کند تحریک مؤثر مأمور پلیس سبب وقوع جرم شده، ممکن است مأمور مزبور در مظان اتهام معاونت در جرم ارتكابی قرار گیرد؛ زیرا بند ۱ ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ کسانی را که تحریک و یا تطمیع به ارتکاب جرم می‌کنند، در صورتی که رفتار آنان مؤثر واقع شده و باعث وقوع جرم از سوی مرتکب شود (با وجود وحدت قصد که در این جا مفروض است) معاون جرم و قابل مجازات دانسته است. ذکر این مطلب نیز حائز اهمیت است که عموماً، انجام مأموریت‌های پلیسی با وجود امر قانونی مجاز و قانونی است. بنابر ماده ۵۷ و بند ۱ ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، امری که با شرع و مقررات مغایرت داشته باشد از عداد اوامر قانونی خارج بوده و در صورت انجام آن، آمر و مأمور، مسئولیت کیفری خواهند داشت. در این زمینه یکی از مصادیق عملیات مخفی پلیس، یعنی شنود مخفیانه تلفن، مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. قانون‌گذار در تبصره ذیل ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ با وجود شرایط نسبتاً سختی، کنترل تلفن اشخاص را با هماهنگی مقام قضایی تجویز کرده است، اما درباره دام گستری و مصادیق آن، موضوع «هماهنگی با مقام قضایی» فاقد محمل قانونی است. حال اگر در انجام امر به دام گستری، مسئولیتی برای مأمور متصور باشیم، معافیت از مسئولیت با استناد به امر قانونی ممکن نخواهد بود.

به هر ترتیب باید در نظر داشت که در راستای حفظ امنیت کشور نمی‌توان پلیس را از انجام دام گستری به طور مطلق منع کرد، به ویژه آن که در قوانین فعلی ایران، کشف جرم به روش دام گستری به طور صریح ممنوع نیست. اما شایسته است که استفاده از روش‌هایی مانند دام گستری، محدود به کشف جرایم مهمی شود که به منافع عالی کشور لطمه زده و یا امنیت کشور^۲ را به خطر می‌اندازند. امروزه، ارتکاب

۱- ماهنامه قضاوت، صحنه سازی برای وقوع جرم را با وجود شرایطی خلاف مقررات دانسته است. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: ماهنامه قضاوت، شماره ۳۰، سال چهارم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۷۱-۹۱.

۲- همان طور که آزادی افراد در جامعه مورد احترام است، حفظ نظم عمومی و امنیت جامعه نیز از مهم‌ترین وظایف حکومت است. از این رو در تعارض بین حفظ حرمت افراد و نظم عمومی، دولت باید با رعایت ضوابط قانونی، اقدام به تعقیب افراد متعرض نماید (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۰۰).

جرایمی مانند پولشویی، قاچاق انسان، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، فساد اداری و ... یکی از دغدغه‌های مهم جامعه بشری محسوب می‌شود. در مواجهه با چنین جرایمی که عموماً در سطح فراملی و به صورت سازمان یافته واقع می‌شوند، شاهد سخت و دشمن محور شدن حقوق کیفری^۱ هستیم. رویکرد جدید حقوق کیفری نسبت به این نوع جرایم به گونه‌ای است که علاوه بر تشدید مجازات‌های قانونی در مواجهه با مرتکبان جرایم مزبور، گاهی برخی از اصول اساسی دادرسی‌های کیفری نیز به چالش کشیده می‌شود (آلبرشت، ۲۰۰۵: ۱۷۷ و ۱۸۰). از جمله اصول مواجهه با چالش می‌توان به اصل برائت^۲، اصل منع شکنجه، حق حفظ حریم خصوصی^۳، حق جرح شاهد، افزایش مدت بازداشت پیش از محاکمه و ... اشاره کرد. مرتکبان عموماً حرفه‌ای این نوع جرایم نیز معمولاً با تشکیل و اداره باندهای مجرمانه و با استفاده از درایت، هوش و مهارت فراوان، قصد ارتکاب جرم (سازمان یافته) را برای طولانی مدت دارند. در این شرایط با توجه به شدت عمل رویکرد نوین حقوق کیفری و اهمیت حفظ امنیت کشور، اختیارات قانونی پلیس نیز باید افزایش یابد. بنابراین در صورت لزوم و عدم کارایی سایر شیوه‌های کشف جرم، کشف این نوع جرایم به روش دام گستری با اشکالات کمتری مواجه است. اما در این راستا قانون‌گذار ایران باید در پی تصویب مقرراتی صریح در این زمینه باشد تا علاوه بر نیل به این هدف (ارتقای امنیت)، از هرگونه اعمال سلیقه شخصی یا تعدی به حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و یا سوءاستفاده از اختیارات قانونی، جلوگیری به عمل آید.

تبیین موضوع با رویکردی بر حقوق متهم

اغلب حقوقدانانی که در این مورد به بحث پرداخته‌اند، ماهیت حقوقی این مسئله را در قالب اکراه بیرونی بیان کرده و معتقدند که اراده مرتکب (فرد موردنظر پلیس) در حین ارتکاب جرم مخدوش است. در حالی که برای مسئول شناختن مرتکب، او باید در حین ارتکاب جرم دارای اراده آزاد باشد.

اکراه، مانند جنون، صغر و ... یکی از علل رافع مسئولیت کیفری است. «اکراه یعنی وادار کردن دیگری بر عمل یا ترک عملی که از آن کراهت دارد مشروط بر آنکه این وادار کردن با تهدید جانی یا عرضی یا مالی مهم از جانب اکراه کننده توأم باشد.» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۵۵۸). در صورتی که مرتکب، مکره به ارتکاب جرم باشد، جرم ارتكابی محقق خواهد شد، اما به دلیل وجود این حالت خاص، وی از مسئولیت کیفری مبرا بوده و در نهایت مجازات نمی‌شود. شرایط تحقق اکراه نیز مطابق ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی

1- Enemy Criminal Law

2- United Nations Convention Against Transnational Organized Crime; 2000; section 12

3- UN Convention Against Trafficking of Narcotic Drugs and Psychotropic Substances; 1988; section 5

مصوب ۱۳۷۰ «عادتاً قابل تحمل نبودن» آن است. اکراه می‌تواند ناشی از علل درونی و یا بیرونی باشد، اکراه بیرونی عبارت است از «وادار کردن دیگری به ارتکاب جرم با تهدید یا تخویف یا تحریک شدید و یا تلقین» (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۹۴ و ۹۵). از طرفی برخی از حقوقدانان در رابطه با منشأ اکراه بیرونی معتقدند که «اجبار معنوی بیرونی تحت دو موقعیت ممتاز تهدید و تحریک پذیری قابل بررسی است.» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۵۶۷). از این رو «تحریک» را مشمول قواعد اکراه بیرونی دانسته و گفته‌اند تحریک می‌تواند منشأ اکراه بیرونی باشد. به همین دلیل مرتکبی را که مثلاً در انجام معاملات صوری، با پیشنهاد مبالغ هنگفت از سوی پلیس در ازای خرید کالای ممنوعه، تحریک به ارتکاب جرم می‌شود، فاقد اراده آزاد در حین ارتکاب جرم دانسته‌اند.

در مقابل این دیدگاه، نظر مخالف نیز وجود دارد. برخی از نگارندگان حقوقی معتقدند که «با توجه به عرف و منطق حاکم بر جامعه ایرانی، تحریک و تشویق را نمی‌توان اجبار معنوی و عادتاً غیرقابل تحمل تلقی کرد» (صانعی، ۱۳۷۶: ۲۵۴). در مجموع به نظر می‌رسد که مطرح کردن این موضوع در قالب اکراه بیرونی چندان صحیح نیست؛ زیرا علاوه بر وجود نظرات مخالف در این زمینه، بر اساس منابع معتبر فقهی و اقتباس اغلب قوانین کیفری ایران از فقه جزایی اسلام، در اکراه، مکره مرتکب عملی می‌شود که از آن کراهت دارد و کراهت صرفاً با تهدید نسبت به جان، مال، عرض و ناموس مرتکب محقق می‌شود و صرف تحریک وارده از سوی مأموران پلیس را نمی‌توان باعث تحقق اکراه در مرتکب دانست. از طرفی باید در نظر داشت که اکراه شونده، در ارتکاب جرم دارای قصد و فاقد رضایت است. از این رو، آنچه در اکراه شونده محدود می‌شود، آزادی وی در قصد کردن است (نه اراده آزاد). ضمن اینکه محدود شدن آزادی قصد کردن فقط نسبت به کسانی مصداق دارد که به هیچ طریق دیگری جز تحریک و ترغیب پلیس، مرتکب جرم موردنظر نمی‌شده‌اند.

از طرف دیگر اگر قائل به اکراه بیرونی شویم، باید مسئولیت کلیه اعمال ارتكابی توسط مرتکب را بر اکراه کننده (مأمور پلیس) تحمیل کنیم که با اشکالات متعددی همراه است. در این میان حالت دیگری که می‌توان متصور بود این است که در برخی موارد، ممکن است متهم بر اثر اضطراب مرتکب جرم شود. از طرفی تحریک شخص مضطر به ارتکاب جرم، بسیار راحت تر و زودتر از سایر اشخاص به نتیجه خواهد رسید. البته در این مورد بدون در نظر گرفتن مسائل مربوط به اکراه، چنانچه متهم بتواند ثابت کند که در حین ارتکاب جرم مضطر بوده، از مجازات معاف خواهد شد.^۱

۱- همین طور نگاه کنید به: دکتر باهری، محمد، تقریرات حقوق جزای عمومی، ص ۲۶۴، انتشارات رهام، چاپ اول.

۲- برای دیدن یکی از مصادیق این موضوع نگاه کنید به: دکتر گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، جلد اول، ص ۵۶۹، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴.

طبق نظر برخی از نگارندگان حقوقی، در مثال معامله صوری مواد مخدر، خریدار (پلیس) قصد ارتکاب جرم (خرید مواد مخدر) ندارد؛ بنابراین جرم فروشنده تنها حمل مواد مخدر خواهد بود، نه فروش مواد مخدر^۱ (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۵۶۸). پذیرش این نظر نیز خالی از اشکال نیست؛ زیرا تحقق جرم خرید و فروش مواد مخدر، مقید به تحقق بیع نبوده و در نظر گرفتن مسائلی مانند قصد، جهت معامله و ... برای تحقق این جرم چندان صحیح نیست. اما در مجموع، در مواردی که مانعی برای تحقق جرم وجود ندارد، جرم از سوی مرتکب (فرد مورد نظر پلیس) محقق خواهد شد. از حیث مسئولیت کیفری، رویه قضایی دادگاه‌های ایران، مسئولیت تام برای این گونه بزهکاران قائل شده است^۲ (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۹۵).

در این صورت وضعیت متهم چگونه بوده و به چه دفاعی می‌تواند متوسل شود؟ به نظر می‌رسد اگر متهم بدون هیچ گونه تحریک مؤثری از جانب پلیس، مرتکب جرم شود، فاقد هرگونه دفاع خواهد بود. مانند موردی که پلیس با توسل به دام گستری، جرم کسی را کشف کند که بزهکاری را حرفه خود قرار داده است. اما اگر متهم بتواند اثبات کند که با تحریک مؤثر از جانب پلیس مرتکب جرمی شده که به طریقی دیگر آن را مرتکب نمی‌شده است، می‌تواند به دفاع تحریک متوسل شود. مستند قانونی چنین دفاعی، بند ۳ ماده ۲۲ ق م ا مصوب ۱۳۷۰ است که با مصادیقی تمثیلی از جمله «رفتار تحریک آمیز مجنی علیه» مرتکب را مستحق تخفیف و یا تبدیل مجازات می‌داند. با توجه به تمثیلی بودن مصادیق این بند از ماده موصوف و اینکه این بند، واجد جنبه‌های جرم شناختی است می‌توان گفت پلیس در دام گستری، با ایجاد انگیزه در فرد مورد نظر او را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد و قانون‌گذار نیز همین امر را مستمسک مناسبی برای تخفیف و یا تبدیل مجازات مرتکب در نظر گرفته است. در این باره نظام حقوقی آمریکا با توجه به دعوای Sorrells در سال ۱۹۳۲ و Sherman در سال ۱۹۵۸ علیه ایالات متحده، آموزه شرمن - سرلز^۳ و در نهایت، نوعی دفاع^۴ به رسمیت شناخته شده است (گارنر، ۲۰۰۵: ۷۶۰ و ۱۴۱۰). البته در صورتی این دفاع از سوی دادگاه قابل استماع است که تحریک وارده از سوی پلیس، به اندازه‌ای باشد که عقل و یا قدرت کنترل فرد بر خویش را مخدوش کند. دادگاه‌ها با توسل به معیار تحریک کافی^۵ یا تحریک معقول^۶،

۱- «اگر چند نفر مأمور کشف جرم برای خرید دلار تقلبی از متهم به او مراجعه نمایند و نامبرده دلارهای تقلبی را به آنها عرضه نماید، این عمل شروع به کلاهبرداری نیست؛ زیرا لازمه عمل شروع به کلاهبرداری عدم وقوف طرف بر قصد و منظور مرتکب از توسل به وسایل تقلبی است.» رای شماره ۷۳ مورخ ۱۳۳۶/۱۲۰، صادره از شعبه دوم دیوان عالی کشور.

۲- مرحوم دکتر علی آبادی در این رابطه اعتقاد به تخفیف یا عدم مجازات شخص تحریک شده داشته و گفته اند: «در عدم مجازات شخص تحریک شده و یا تقلیل میزان مجازات او باید هم اختلال حواس او و هم خطای محرک در نظر گرفته شود.» (علی آبادی، ۱۳۵۲: ۲۳۷).

3- Sherman-Sorrells Doctrine

4- Hypothetical-Person Defense

5- Adequate Provocation

6- Reasonable Provocation

در صورتی دفاع تحریک را می‌پذیرند که علاوه بر این که متهم عملاً تحریک شده باشد، هر انسان متعارفی در آن شرایط تحریک شود (مارتین^۱، ۲۰۰۳: ۳۶۷).

ارزش اثباتی دلایل تحصیل شده از طریق دام گستری

مطابق مقررات مدوّن فعلی، نظام دادرسی در ایران، نظام دادرسی دادگاه است و بنابر اصل ۱۵۶ قانون اساسی و بند «الف» ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، کشف جرم و بار اثبات آن بر عهده دادرها است. همچنین بنابر بند «ی» ماده ۳ قانون اخیرالذکر و ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸، دادرسی می‌تواند انجام برخی از تحقیقات را از ضابطان (به ویژه نیروهای انتظامی) درخواست کند که در این صورت، ضابطان مکلفند درخواست قانونی مقامات قضایی ذی صلاح را به مورد اجرا گذارند. مسئله‌ای که در این بخش بیش از هر چیز دیگر جلوه‌گر است، مسئله اثبات دعوی است. می‌دانیم که اثبات هر دعوی، نیازمند وجود دلایل است. از یکسو بنابر اصل آزادی قاضی کیفری در تحصیل هر نوع دلیل مثبت دعوا، او مجاز است هر نوع دلیل اقناع کننده را تحصیل کند. اما میان «دلیل به عنوان وسیله اثبات جرم» و «وسیله یا طرق تحصیل دلیل» از قبیل تفتیش و تفحص، ضبط و استماع مکالمات تلفنی و امثال آن تفاوت وجود دارد (آشوری، ۱۳۸۶: ۱۸۷). برای مثال «اقرار» به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل اثبات جرم محسوب می‌شود، اما چنانچه اقرار به واسطه شکنجه یا با اجبار اخذ شده باشد، طبق اصل ۳۸ قانون اساسی، فاقد ارزش و اعتبار تلقی می‌شود. از این رو بر خلاف اصل آزادی قاضی کیفری در تحصیل هر نوع دلیل اثبات کننده جرم، مقررات دقیق و پیچیده‌ای بر نحوه تحصیل دلایل از سوی او حاکم است. در این راستا رسیدگی به اعتبار و صحت دلایل تحصیل شده از سوی مقامات قضایی حائز اهمیت زیادی است.

تحصیل دلیل برعهده دادرها (مرجع تعقیب) و با ارجاع تحقیق از سوی آنان به ضابطان دادگستری، ضابطان مکلف به جمع آوری هر گونه اطلاع مفید به کشف حقیقت هستند. این مرحله، از مراحل دقیق و حساس دادرسی کیفری است و ممکن است حقوق و آزادی‌های متهم در معرض تضییع و تفریط قرار گیرد (آخوندی، ۱۳۸۰: ۴۸). مطابق اصول پذیرفته شده در قانون آیین دادرسی کیفری، انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادرها باید همواره در سایه احترام به اصل برائت، حق دفاع متهم و اصل تفسیر شک و تردید به نفع متهم و براساس احترام به حقوق انسان و مقام قضا و به دور از هرگونه اهانت نسبت به کرامت و منزلت انسانی باشد. به هر ترتیب، دلایلی که با رعایت موازین مزبور تحصیل شوند و در تحصیل آن رعایت امانت شده باشد، دارای صحت

و مشروعیت لازم بوده و واجد آثار قانونی است.

با توجه به این موضوع، برای بررسی وضعیت دلایل تحصیل شده از طریق اجرای طرح‌های دام گستری اشاره به چند نکته لازم است: اول، در کلیه امور مربوط به تحقیقات مقدماتی، داسرا موظف به جمع آوری دلایل له و علیه متهم است. از طرفی عملیات دام گستری، اکثر دلایل در لحظه کشف جرم و فقط علیه متهم جمع‌آوری می‌شود. از این رو کشف جرم بدین روش ضمن مغایرت با اصل مزبور، به طور ضمنی گویای این مطلب است که قاضی رسیدگی کننده به موضوع، به طور قطعی و قبل از اتمام محاکمه، از مجرمیت متهم آگاهی کامل دارد. این موضوع با نادیده انگاشتن حق دفاع متهم و مخدوش کردن اصل برائت (اصل ۳۷ قانون اساسی) همراه است و باعث خروج از فرایند عادلانه آیین دادرسی کیفری می‌شود. بر همین مبنا به جای آن که داسرا با تحصیل دلایل منصفانه و عادلانه، سعی در نفی اماره قانونی بی گناهی متهم (اصل برائت) کند، به نوعی محکومیت وی را در دادگاه تضمین خواهد کرد. از این رو این خود متهم است که باید سعی در اثبات بی گناهی خویش کند، که این امر مغایر قواعد و اصول محاکمه ای عادلانه و نزدیک به صواب است.

دوم، در مواقعی که به جای مأمور پلیس، مخبر مأموریت کشف جرم به شیوه دام گستری را برعهده دارد، گرچه مصادیق آن نادر است، باید نسبت به صحت و دقت اطلاعات و دلایل تحصیل شده علیه متهم تردید کرد. ارائه اطلاعات غیر دقیق یا نادرست از سوی این گونه اشخاص و محکوم کردن متهم بر مبنای همین دلایل، از مصادیق بارز اشتباهات قضایی است. در این مورد توجه به سیاست اتخاذی از سوی قانون‌گذار در مواردی از جمله شهادت برای اثبات حد (مانند مواد ۷۸ و ۷۹ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۰) حائز اهمیت است.

سوم، در مواردی که مأموران پلیس یا سایر مأموران دولتی، به واسطه دام گستری یا به صورت مخفیانه توسط سایر مأموران دولتی کنترل می‌شوند، به ویژه در صورتی که قضات قوه قضاییه موضوع دام گستری، مأموران قوه مجریه قرار گیرند، ممکن است اصل تفکیک قوا مخدوش شود (فیج نات، ۱۳۸۲: ۲۴۱).

چهارم، با توجه به متفاوت بودن ماهیت جرایم و بُعد فراملی برخی از آن‌ها، بسیاری از اسناد بین المللی بر معاضدت‌های منطقه‌ای یا بین المللی پلیس در راستای پیشگیری و یا کشف این نوع جرایم تاکید کرده اند. با وجود این، اگر عملیات مأموران مخفی پلیس چند کشور، جرمی فراملی را در یکی از کشورهای ذی‌نفع در موضوع کشف کنند، علاوه بر مسایل مربوط به صلاحیت باید نوع عملیات انجام شده توسط مأموران را به دقت تحلیل کرد. این موضوع به ویژه وقتی اهمیت می‌یابد که برای مثال، انجام رفتاری چون شنود تلفنی و یا دام گستری در کشور محل وقوع جرم مجاز نباشد. در این صورت مأموران پلیس سایر کشورها دلایلی را تحصیل کرده اند که مطابق قانون حاکم بر کشور محل وقوع جرم، فاقد ارزش و اعتبار هستند. به نظر می‌رسد در این‌گونه

موارد باید اصل را بر صلاحیت دادگاه‌های کشور محل وقوع جرم (و نه محل کشف جرم یا محل دستگیری متهمان) گذاشت و بر همین مبنا، مقررات آن کشور را برای ارزیابی صحت دلایل تحصیل شده حاکم دانست.

پنجم، با توجه به اصولی از جمله اصل ۲۸ قانون اساسی مبنی بر عدم شکنجه و اجبار برای اخذ اقرار و عدم اجبار برای ادای شهادت یا سوگند و موادی از جمله ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)، مصوب ۱۳۷۸ ناظر بر حضور متصرف قانونی در هنگام تفتیش و بازرسی اماکن، قانون‌گذار در مورد صحت دلایل تحصیل شده و طریق تحصیل آن، شرایط ویژه‌ای را مد نظر داشته است. برای مثال، منظور قانون‌گذار از لزوم حضور متصرف قانونی در هنگام بازرسی از منازل یا اماکن این بوده که بازرسی در شرایطی انجام شود که قانونی بودن کشفیات، محل تردید نباشد (استفانی^۱، دادبان، ۱۳۷۷: ۴۶۳). بنابراین در این گونه موارد نظر قانون‌گذار بر حجت بودن دلایل تحصیل شده و یا ارزش و اعتبار داشتن آن‌ها بوده است و نه صرف تحصیل آن به هر طریقی. در این راستا قانون‌گذار به صحت ارزش دلایل تحصیل شده به شیوه دام گستری اشاره نکرده و گامی در راستای تحدید استفاده از این روش بر نداشته است، اما در ماده ۱۲۹ قانون اخیرالذکر قاضی را از پرسیدن سؤالات تلقینی و اغفال متهم (که به نوعی گویای رفتار فریب آمیز است) ممنوع کرده است.

ششم، نظر علمای حقوق (دکترین) نیز نسبت به تحصیل دلیل بدین روش (کشف جرم به واسطه تغییر قیافه و لباس یا دام گذاری و کمین‌گیری و ...) منفی به نظر می‌رسد (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۲۷۷). بر همین مبنا برخی از حقوقدانان کشف جرم را تا زمانی قانونی تلقی می‌کنند که مأموران، مظنون را صرفاً با ارائه پیشنهادی و نه تحریک یا ترغیب او، در موقعیت نقض قانون قرار دهند. به طوری‌که هرگونه تصمیم مبنی بر ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم، بدون تأثیر گذاری از سوی پلیس، منتسب به فرد موردنظر باشد (پرکینز، ۱۹۸۲: ۲۰۲).

با توجه به دلایل مذکور؛ حاکمیت اصل برائت؛ مفاهیم رعایت صحت، امانت و مشروعیت دلیل؛ حقوق متهم و سایر اوصاف پیش گفته، علاوه بر این که دلایل تحصیل شده به روش دام گستری، نسبت به بسیاری از جرایم صحت و حجیت ندارد، بلکه استفاده از دام گستری به منظور کشف جرم با روح قانون نیز مغایرت دارد.

از نظر تطبیقی در حقوق بسیاری از کشورها، قانون یا رویه قضایی نسبت به صحت دلایل تحصیل شده از طریق دام گستری تردید کرده و گاهی اوقات از پذیرش این دلایل سرباز می‌زنند. قانون آیین دادرسی کیفری پرتغال و رویه قضایی بلژیک، تحصیل دلیل با استفاده از حیله را ممنوع اعلام کرده و وقتی پلیس، متهمی را مصمم

به ارتکاب جرمی کرده باشد، عذر تحریک را از او می‌پذیرد (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۳۱۴). ماده ۳۱ قانون جزای نمونه ایالات متحده^۱ در این زمینه صراحت بیشتری داشته و با عنوان ENTRAPMENT زیر بخش سوم (علل رافع مسئولیت کیفری) این گونه مقرر می‌دارد: «هر کس مرتکب فعل مجرمانه‌ای شود، چنانچه قصد مجرمانه اش ناشی از فریب، اغواگری یا نقش‌های که از سوی صاحب منصبی دولتی یا شخصی باشد که با مأمور مزبور همکاری می‌کند، چنین شخصی مسئول نخواهد بود.»

دادگاه‌های انگلستان، دام گستری را با وجود شرایطی از جهات مخففه مجازات محسوب (مارتین، ۲۰۰۳: ۱۶۴) و با استناد به بند ۱ ماده ۷۸ قانون پلیس و ادله کیفری^۲ مصوب ۱۹۸۴ از پذیرش برخی از ادله از جمله ادله تحصیل شده به روش دام گستری خودداری می‌کنند. بنابر ماده مذکور:

«در کلیه صورت جلسات تحقیقات، دادگاه ممکن است از پذیرش ادله تحصیل شده توسط مقام تعقیب و قابل ارائه به دادگاه امتناع کند. [عدم پذیرش] در صورتی است که بر دادگاه روشن شود که با توجه به کلیه شرایط از جمله شرایطی که ادله مورد نظر با وجود آن، تحصیل شده است، پذیرش این ادله [توسط دادگاه] تأثیر نامطلوبی بر صادقانه بودن صورت جلسه تحقیقات خواهد داشت. در این گونه موارد، دادگاه باید از پذیرش این ادله خودداری کند.»

قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا^۳ مصوب ۱۹۸۸ با مبنا قرار دادن اختلال در قدرت تصمیم‌گیری و ارزیابی رفتار ارتكابی از سوی متهم، در ماده ۱۸۸ این گونه مقرر می‌دارد: «استفاده از روش‌ها و شیوه‌هایی که آزادی تصمیم‌گیری را مختل می‌کند و یا توانایی ارزیابی رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حتی با موافقت متهم نیز ممنوع است.» در حقوق فرانسه، نفوذ پلیس قضایی، تنها در شبکه‌های قاچاق مواد مخدر پذیرفته شده است (لارگیه، ۱۹۹۶: ۷۲ و ۷۳).

دیوان اروپایی حقوق بشر^۴ در رای صادره مورخه ۸۱ دسامبر ۱۹۸۶ در دعوی Bozano علیه فرانسه، که پلیس با لباس مبدل (شخصی) اقدام به کشف جرم کرده بوده است، ضمن مخالفت با برخی عملیات مخفیانه پلیس، کشف جرم بدین روش را مغایر با اصول ۶ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دانسته است.

دیوان مزبور در دعوی Teixeira de castro علیه پرتغال در تاریخ ۱۹۹۸ با استناد به رفتار فاعلی پلیس در تحریک و ترغیب فرد موردنظر به ارتکاب جرم، معتقد بوده که اصل دادرسی منصفانه نقض شده است.

1- Model Penal Code

2- Police and Criminal Evidence Act 1984

3- Penal procedure code 1988

4- European Court of Human Rights

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- کشف جرم به روش دام گستری، مغایر نظم عمومی و موازین اخلاقی است.
- در طرح‌های دام گستری، جرم مورد نظر پلیس به وقوع می‌پیوندد، بنابراین مرتکب (شخصی که جرم او به روش دام گستری کشف شده)، مسئول تلقی می‌شود.
- در صورتی که تحریک پلیس مؤثر بوده و باعث وقوع جرم از سوی مرتکب شود، با وجود سایر شرایط، مأموران پلیس در مظان اتهام معاونت در جرم ارتكابی توسط مرتکب قرار گیرند.
- در صورتی که متهم، تحت‌تأثیر تحریک مؤثر از سوی پلیس مرتکب جرم تعزیری شود دادگاه می‌تواند ضمن صدور حکم، مجازات مرتکب را تخفیف دهد.
- با عنایت به اهمیت فراوان و ارجحیت حفظ امنیت کشور بر سایر مسایل، در صورت عدم کارایی سایر روش‌های کشف جرم، یکی از مؤثرترین شیوه‌های کشف جرایمی که به مصالح عالی مملکت آسیب می‌رسانند (مانند پول‌شویی، قاچاق انسان، تروریسم و ...) دام گستری است. از این رو، با توجه به ماهیت خاص این جرایم و رویکرد نوین حقوق کیفری در این زمینه، در صورت اهتمام قانون‌گذار و تصویب مقرراتی دقیق، کشف این نوع جرایم به روش دام گستری بلا مانع است.
- دلایل تحصیل شده به روش دام گستری، در مورد بسیاری از جرایم، فاقد اعتبار و صحت لازم برای اثبات جرم است.
- پیشنهاد می‌شود که علاوه تصویب مقرراتی جامع توسط قانون‌گذار در این زمینه، به منظور بهبود در پیشبرد اهداف تخصصی پلیس، از جمله در امور مربوط به کشف جرم، مسئولان مربوط از یک سو اقدام به تدوین نظام‌نامه اخلاقی پلیس کرده و از سوی دیگر منشوری از حقوق شهروندی را به تصویب رسانند که حداقل در بخشی از آن، حدود وظایف و اختیارات پلیس نسبت به شهروندان به صورت دقیق و با صراحت مشخص شود. با وجود چنین نظام‌نامه اخلاقی، حدود اختیارات پلیس با وضوح بیشتری مشخص می‌شود و تا حدودی می‌تواند در رفع مشکل مطرح شده در این مقاله نیز کمک کند.
- به دلیل غیراخلاقی بودن کشف جرم به روش دام گستری، پیشنهاد می‌شود که مأموران پلیس جز در مواردی که به حفظ منافع عالی کشور مربوط می‌شود و یا هیچ یک از شگردهای پلیسی دیگر، کارایی ندارند از این روش برای کشف جرم استفاده نکنند. بدیهی است که این مهم در صورت اهتمام قانون‌گذار و تصویب مقرراتی صریح در این زمینه، جامه عمل به خود می‌پوشاند. در این راستا، بهره‌گیری پلیس از دستاوردهای علوم تخصصی، تحصیل دلایل علمی، استفاده مؤثر از کارآگاهان و کارشناسان متبحر در زمینه‌های مختلف، در بسیاری از موارد راه گشاست.

منابع

الف) منابع فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۸۰). **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم: قم: انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ششم.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶). **عدالت کیفری**. تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۸۵). **جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)**. تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
- آلبرشت، هانس بورگ (۲۰۰۵). **تروریسم، خطر و قانون‌گذاری**، ترجمه مهدی مقیمی و مجید قورچی بیگی. **فصلنامه فقه و حقوق**. قم: سال سوم، شماره یازدهم.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۲). **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم. تهران: انتشارات میزان، چاپ ششم.
- استفانی، گاستون و دیگران (۱۳۷۷). **آیین دادرسی کیفری**. ترجمه دکتر حسن دادبان. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- افراسیابی، محمد (۱۳۷۷). **حقوق جزای عمومی**. جلد دوم، تهران: انتشارات فردوسی، چاپ اول.
- باهری، محمد (۱۳۸۱). **تقریرات حقوق جزای عمومی**. تهران: انتشارات رهام، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸). **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، جلد پنجم. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
- الحصری، احمد (۱۴۱۳). **السیاسه الجزائیه**، جلد دوم. بیروت: انتشارات دار الجیل.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۳). **سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- سافرشتاین، ریچارد (۱۳۷۸). **تعقیب و مراقبت پلیس مخفی از دیدگاه تطبیقی**، ترجمه ناصر امامی. تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.
- سیف، سید محمد (۱۳۸۶). **اخلاق حرف‌های کارکنان راهور**. معاونت آموزش ناجا، چاپ اول.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۶). **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم. تهران: انتشارات میزان.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲). **حقوق جنایی**، جلد دوم. تهران: انتشارات چاپخانه بانک ملی ایران.
- فیج‌نات، سریل (۱۳۸۲). **پلیس مخفی**، ترجمه حسین اسدیان راد. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا، چاپ اول.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). **قواعد عمومی قراردادها**، جلد اول. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، جلد اول، دوم، سوم. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴). حقوق جزای عمومی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲). ادله اثبات دعوی. تهران: انتشارات میزان.
- لارگیه، ژان (۱۹۹۶). آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل زاده. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۴). دام گستری، مفهوم، مبانی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران، فصلنامه فقه و حقوق. قم: سال دوم، شماره ششم.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۲). جرایم علیه اموال و مالکیت. تهران: انتشارات میزان، چاپ دهم.
- ماهنامه قضاوت، شماره ۳۰، سال چهارم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۵). از جرایم یقه سفیدها تا جرم اقتصادی، تقریرات درس جرم شناسی. مجتمع پردیس قم، دانشگاه تهران، ترم دوم.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸
- قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱
- قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹
- دستورالعمل نحوه استفاده از البسه خدمت در ناجا.

(ب) منابع انگلیسی

- Black, Brayan A. Garner (2005). Blacks Law Dictionary, (8th ed). Usa: west publishing company.
- Code of Conduct for Law Enforcement Officials (General Assembly Resolution 34/169 of 17 December 1979).
- Martin A. Elizabeth. (1997), Oxford Dictionary of Law, Publication: Didar
- Model Penal Code of United States Approved June 18, 2004
- Perkins M. Rollin and Ronald n. Boyce (1982). Criminal Law (3th ed)
- Police and Criminal Evidence Act 1984 (PACE)
- United Nations convention against Transnational Organized Crime, 2000: section 12
- UN convention against Trafficking of Narcotic Drugs and Psychotropic Substances, 1988: section 5
- Wehmeier, sally (2005). Oxford Advanced Learners Dictionary, 6th Ed, oxford university press.